



قانون طبیعی (کتاب اول)

مطالعه انتقادی نظریه‌های قانون طبیعی در غرب

دکتر محمدحسین طالبی

زمستان ۱۴۰۴

طالبی، محمدحسین، ۱۳۴۲ -
مطالعه انتقادی: نظریه‌های قانون طبیعی در غرب / محمدحسین طالبی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۴.
۲۹۰ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۸۰۰؛ حقوق و فقه اجتماعی: ۹۷)
قانون طبیعی؛ کتاب اول
بها: ۳۲۰۰۰۰ ریال
ISBN: 978-600-298-356-5
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتاب با همکاری پژوهشکده علوم انسانی اسلامی، دانشگاه قم منتشر شده است.
کتابنامه. ص. [۲۶۵] - ۲۹۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نظریه‌های قانون طبیعی غرب
۱. حقوق طبیعی. ۲. Natural law. ۳. حقوق طبیعی -- مطالعات تطبیقی. ۴. Natural law -- Comparative studies.
الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. دانشگاه قم. پژوهشکده علوم انسانی اسلامی.
۳۴۰/۱۱۲ k۴۶۰
شماره کتابشناسی ملی
۱۰۲۲۸۳۳۱



مطالعه انتقادی نظریه‌های قانون طبیعی در غرب

مؤلف: دکتر محمدحسین طالبی (عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و پژوهشکده علوم انسانی اسلامی دانشگاه قم

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۴

تعداد: ۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۳۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۳۵۶-۵

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

قم: دانشگاه قم، ساختمان کتابخانه مرکزی، پژوهشکده علوم انسانی اسلامی.

ایمیل پژوهشکده: ihri@qom.ac.ir تلفن: ۰۲۵۳۲۱۰۳۳۷۳

سخن ناشران

نیاز گسترده دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به منابع و متون درسی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شوند و افزون بر ارتقای کمی و کیفی منابع درسی و جلوگیری از دوباره‌کاری، گامی در مسیر تولید دانش‌های مربوط برداشته شود؛ ازاین‌رو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و پژوهشکده علوم انسانی اسلامی دانشگاه قم برای نیل به هدف یادشده، نخستین اثر مشترک خود را با عنوان «مطالعه انتقادی نظریه‌های قانون طبیعی در غرب» به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند.

این اثر به‌عنوان منبعی مطالعاتی برای دانشجویان و استادان در رشته‌های حقوق بشر، فلسفه حقوق، فلسفه حقوق بشر، فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا و عموم علاقه‌مندان به این مباحث تولید شده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، ما را در جهت ارتقای کیفی کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار موردنیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

در پایان لازم می‌دانیم از تلاش‌های نویسنده محترم اثر، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدحسین طالبی، و نیز از ارزیابان محترم، دکتر غلامرضا اعوانی، دکتر رضا داوری اردکانی و دکتر مهدی عبداللّهی، صمیمانه سپاسگزاری کنیم.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پژوهشکده علوم انسانی اسلامی
دانشگاه قم

فهرست مطالب

فهرست اجمالی

پیشگفتار.....	۱
فصل اول: واژه‌شناسی «مطالعه انتقادی نظریه‌های قانون طبیعی در غرب»	۱۱
مبحث اول: واژه‌شناسی «مطالعه انتقادی نظریه‌ها».....	۱۴
مبحث دوم: واژه‌شناسی «قانون طبیعی در غرب».....	۱۹
فصل دوم: مطالعه انتقادی نظریه‌های غربی قانون طبیعی در دوره باستان	۳۵
مبحث اول: نظریه‌های قانون طبیعی در یونان باستان.....	۳۸
مبحث دوم: نظریه‌های قانون طبیعی در روم باستان.....	۶۸
فصل سوم: مطالعه انتقادی نظریه‌های مسیحی قانون طبیعی	۸۷
مبحث اول: قانون طبیعی در دوره پیدایش مسیحیت.....	۹۰
مبحث دوم: قانون طبیعی در دوره میانه.....	۹۸
مبحث سوم: قانون طبیعی مسیحی در عصر نوزایی (مدرسیان متأخر).....	۱۲۵
مبحث چهارم: قانون طبیعی در اندیشه پروتستان اولیه.....	۱۳۹
فصل چهارم: مطالعه انتقادی نظریه‌های غربی قانون طبیعی در دوره جدید	۱۵۷
مبحث اول: قانون طبیعی در نگاه تجربه‌گرایان در دوره جدید.....	۱۶۲
مبحث دوم: قانون طبیعی در نگاه عقل‌گرایان در دوره جدید.....	۱۸۲
فصل پنجم: مطالعه انتقادی نظریه‌های غربی قانون طبیعی در دوره پساتجدد	۲۰۵
مبحث اول: اولین مرحله احیای قانون طبیعی در دوره پساتجدد.....	۲۱۰
مبحث دوم: دومین مرحله احیای قانون طبیعی در دوره پساتجدد.....	۲۲۹
مبحث سوم: سومین مرحله احیای قانون طبیعی در دوره پساتجدد.....	۲۳۸

فهرست تفصیلی

۱	پیشگفتار.....
۱	بیان مسئله.....
۲	اهمیت و ضرورت پژوهش.....
۳	پیشینه پژوهش.....
۵	نوآوری پژوهش.....
۶	هدف پژوهش.....
۶	پرسش‌های پژوهش.....
۷	فرضیه‌ها و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات.....
۸	پیش‌فرض‌های پژوهش.....
۸	جامعه مخاطب.....

فصل اول: واژه‌شناسی «مطالعه انتقادی نظریه‌های قانون طبیعی در غرب»

۱۳	مقدمه.....
۱۴	مبحث اول: واژه‌شناسی «مطالعه انتقادی نظریه‌ها».....
۱۴	گفتار اول: مطالعه انتقادی.....
۱۷	گفتار دوم: نظریه و انواع آن.....
۱۹	مبحث دوم: واژه‌شناسی «قانون طبیعی در غرب».....
۱۹	گفتار اول: معنای قانون.....
۲۰	گفتار دوم: معنای طبیعت.....
۲۲	۱. اراده خدا.....
۲۳	۲. عقل.....
۲۵	۳. غریزه.....
۲۶	۴. نظام جهان.....
۲۷	گفتار سوم: قانون طبیعی (در غرب) و تفاوت آن با قانون طبیعت.....
۳۱	قانون طبیعت.....
۳۳	نتیجه.....

فصل دوم: مطالعه انتقادی نظریه‌های غربی قانون طبیعی در دوره باستان

۳۷	مقدمه.....
۳۸	مبحث اول: نظریه‌های قانون طبیعی در یونان باستان.....
۳۸	گفتار اول: قانون طبیعی در اندیشه پیش‌سقراطیان.....
۴۰	مفهوم «عدالت» به مثابه «قانون طبیعی» در یونان پیش از سقراط.....
۴۳	مطالعه انتقادی آرای پیش‌سقراطیان.....
۴۵	گفتار دوم: قانون طبیعی در اندیشه سوفیست‌ها.....

۴۵	 سوفیست‌های مخالف قانون طبیعی
۴۵	 ۱. پروتاگوراس
۴۶	 ۲. گُریاس
۴۷	 سوفیست‌های موافق قانون طبیعی
۴۷	 ۱. هیپپاس
۴۸	 ۲. آنتیفن
۴۸	 ۳. آلسیداماس
۴۹	 ۴. کلیکس
۴۹	 مطالعه انتقادی آرای سوفیست‌ها
۵۲	 گفتار سوم: قانون طبیعی در اندیشه فیلسوفان یونانی
۵۲	 ۱. سقراط
۵۳	 ۲. افلاطون
۵۷	 ۳. ارسطو
۵۹	 ۴. رواقیان
۶۴	 مطالعه انتقادی آرای فیلسوفان پساقراطی
۶۶	 مطالعه انتقادی نظریه‌های قانون طبیعی در یونان باستان
۶۸	 مبحث دوم: نظریه‌های قانون طبیعی در روم باستان
۶۹	 گفتار اول: قانون طبیعی از نگاه فیلسوفان رومی
۶۹	 ۱. سیسرون
۷۳	 ۲. سِنِکا
۷۳	 مطالعه انتقادی
۷۷	 گفتار دوم: قانون طبیعی از نگاه حقوق‌دانان رومی
۷۸	 ۱. گایوس
۷۹	 ۲. آلبین
۸۰	 مطالعه انتقادی
۸۱	 مطالعه انتقادی نظریه‌های قانون طبیعی در روم باستان
۸۵	 نتیجه

فصل سوم: مطالعه انتقادی نظریه‌های مسیحی قانون طبیعی

۸۹	 مقدمه
۹۰	 مبحث اول: قانون طبیعی در دوره پیدایش مسیحیت
۹۱	 گفتار اول: مسیحی‌سازی قانون طبیعی در دوره پیدایش مسیحیت
۹۳	 مطالعه انتقادی
۹۳	 گفتار دوم: قانون طبیعی از نگاه پدران کلیسای اولیه
۹۴	 ۱. ترتولیان

۹۴	 ۲. اُریگین
۹۵	 ۳. اَمبروز
۹۵	 ۴. ژروم
۹۶	 مطالعه انتقادی
۹۷	 مطالعه انتقادی قانون طبیعی در دوره پیدایش مسیحیت
۹۸	 مبحث دوم: قانون طبیعی در دوره میانه
۹۹	 گفتار اول: قانون طبیعی در مقطع نخست دوره میانه
۹۹	 ۱. آگوستین
۱۰۳	 ۲. ژوستینین
۱۰۴	 مطالعه انتقادی
۱۰۶	 گفتار دوم: قانون طبیعی در مقطع پایانی دوره میانه
۱۰۶	 آکوئیناس
۱۰۷	 آرای فلسفی آکوئیناس درباره قانون
۱۰۷	 انواع قانون
۱۰۸	 ۱. قانون ازلی
۱۰۹	 ۲. قانون طبیعی
۱۱۴	 ۳. قانون بشری
۱۱۵	 ۴. قانون ربانی
۱۱۶	 مطالعه انتقادی
۱۲۱	 مطالعه انتقادی قانون طبیعی در دوره میانه
۱۲۵	 مبحث سوم: قانون طبیعی مسیحی در عصر نوزایی (مدرسیان متأخر)
۱۲۷	 گفتار اول: قانون طبیعی مسیحی در اندیشه ویتوریا
۱۲۹	 مطالعه انتقادی
۱۳۲	 گفتار دوم: قانون طبیعی مسیحی در اندیشه سوارز
۱۳۵	 مطالعه انتقادی
۱۳۷	 مطالعه انتقادی قانون طبیعی مسیحی در عصر نوزایی (مدرسیان متأخر)
۱۳۹	 مبحث چهارم: قانون طبیعی در اندیشه پروتستان اولیه
۱۴۰	 گفتار اول: خوانش مسیحی گروسیوس از قانون طبیعی
۱۴۵	 مطالعه انتقادی
۱۴۸	 گفتار دوم: پوفندورف و قانون طبیعی مسیحی
۱۵۱	 مطالعه انتقادی
۱۵۳	 مطالعه انتقادی قانون طبیعی در اندیشه پروتستان اولیه
۱۵۵	 نتیجه

فصل چهارم: مطالعه انتقادی نظریه‌های غربی قانون طبیعی در دوره جدید

۱۵۹	مقدمه.....
۱۶۲	مبحث اول: قانون طبیعی در نگاه تجربه‌گرایان در دوره جدید.....
۱۶۳	گفتار اول: اندیشه هابز درباره قانون طبیعی.....
۱۶۴	قانون طبیعت.....
۱۶۵	قوانین طبیعی اشتقاقی.....
۱۶۸	مطالعه انتقادی.....
۱۷۳	گفتار دوم: لاک و قانون طبیعی.....
۱۷۴	نظریه معرفت لاک.....
۱۷۶	نظریه اخلاقی لاک.....
۱۷۶	قانون طبیعت.....
۱۷۷	حالت طبیعی بشر.....
۱۸۰	مطالعه انتقادی.....
۱۸۰	مطالعه انتقادی قانون طبیعی در نگاه تجربه‌گرایان در دوره جدید.....
۱۸۲	مبحث دوم: قانون طبیعی در نگاه عقل‌گرایان دوره جدید.....
۱۸۳	گفتار اول: قانون طبیعی در اندیشه مونتسکیو.....
۱۸۳	حالت طبیعی بشر در اندیشه مونتسکیو.....
۱۸۵	قانون طبیعی در اندیشه مونتسکیو.....
۱۸۷	مطالعه انتقادی نظریه قانون طبیعی مونتسکیو.....
۱۸۸	گفتار دوم: قانون طبیعی در اندیشه روسو.....
۱۸۹	حالت طبیعی بشر در اندیشه روسو.....
۱۹۱	مطالعه انتقادی نظریه قانون طبیعی روسو.....
۱۹۳	گفتار سوم: قانون طبیعی در اندیشه کانت.....
۱۹۴	نظریه شناخت در اندیشه کانت.....
۱۹۶	قانون طبیعی در اندیشه کانت.....
۱۹۹	مطالعه انتقادی نظریه قانون طبیعی کانت.....
۲۰۱	مطالعه انتقادی قانون طبیعی در نگاه عقل‌گرایان دوره جدید.....
۲۰۳	نتیجه.....

فصل پنجم: مطالعه انتقادی نظریه‌های غربی قانون طبیعی در دوره پساتجدد

۲۰۷	مقدمه.....
۲۱۰	مبحث اول: اولین مرحله احیای قانون طبیعی در دوره پساتجدد.....
۲۱۱	گفتار اول: نظریه‌های پساتجدد غیرکاتولیک در نخستین دوره احیای قانون طبیعی.....
۲۱۲	۱. نظریه ایدئالیسم حقوقی.....
۲۱۳	مطالعه انتقادی.....

۲۱۴	۲. نظریه نوکانتی قانون طبیعی.....
۲۱۷	مطالعه انتقادی نظریه نوکانتی قانون طبیعی.....
۲۱۹	۳. نظریه جامعه‌شناختی حقوق.....
۲۲۱	مطالعه انتقادی.....
۲۲۳	گفتار دوم: نظریه‌های پساتجدد کاتولیک در نخستین دوره احیای قانون طبیعی.....
۲۲۶	مطالعه انتقادی.....
۲۲۷	مطالعه انتقادی قانون طبیعی در اولین مرحله احیای آن در دوره پساتجدد.....
۲۲۹	مبحث دوم: دومین مرحله احیای قانون طبیعی در دوره پساتجدد
۲۳۰	گفتار اول: نظریه‌های پساتجدد کاتولیک در دومین دوره احیای قانون طبیعی.....
۲۳۳	مطالعه انتقادی.....
۲۳۵	گفتار دوم: نظریه قانون طبیعی پروتستان در دومین دوره احیای قانون طبیعی پساتجدد.....
۲۳۶	مطالعه انتقادی.....
۲۳۷	مطالعه انتقادی دومین مرحله احیای قانون طبیعی در دوره پساتجدد.....
۲۳۸	مبحث سوم: سومین مرحله احیای قانون طبیعی در دوره پساتجدد
۲۳۹	گفتار اول: اندیشه غیرنوتومیستی قانون طبیعی در سومین مرحله احیای آن در دوره پساتجدد.....
۲۳۹	۱. نظریه اخلاقی بودن درونی (باطنی) قانون.....
۲۴۱	مطالعه انتقادی.....
۲۴۲	۲. نظریه تفسیر سازنده.....
۲۴۴	مطالعه انتقادی.....
۲۴۵	گفتار دوم: اندیشه نوتومیستی قانون طبیعی در سومین مرحله احیای آن در دوره پساتجدد.....
۲۴۶	نظریه فینیس درباره قانون طبیعی.....
۲۴۶	خبرهای اصیل بشری.....
۲۴۷	۱. حیات مادی.....
۲۴۸	۲. دانش.....
۲۴۹	۳. مهارت در کار و تفریح.....
۲۴۹	۴. دوستی.....
۲۵۰	۵. ازدواج.....
۲۵۰	۶. عقلانیت عملی.....
۲۵۱	۷. دین‌داری.....
۲۵۲	ویژگی‌های مشترک خبرهای اصیل.....
۲۵۳	مطالعه انتقادی آرای فینیس درباره خبرهای اصیل.....
۲۵۳	۱. عدم بداهت خبرهای اصیل (در نظریه فینیس).....
۲۵۵	۲. ذاتی نبودن هیچ‌یک از خبرهای اصیل (در نظریه فینیس).....
۲۵۶	۳. وجود ارتباط میان خبرهای اصیل و جواز ارجاع همه آنها به یک خبر.....
۲۵۶	۴. اهمیت یکسان خبرهای اصیل.....

۵. ابتدای همهٔ خیرهای اصیل بر واقعیت..... ۲۵۷
۶. ازدواج، یکی از ویژگی‌های بشر در جنبهٔ گیاهی (نه حیوانی)..... ۲۶۰
۷. دین‌داری ارزشمند فقط خداپرستی (توحیدی)..... ۲۶۰
- مطالعهٔ انتقادی سومین مرحلهٔ احیای قانون طبیعی در دورهٔ پسانتجدد..... ۲۶۱
- نتیجه..... ۲۶۳

منابع

- منابع فارسی..... ۲۶۵
- منابع عربی..... ۲۶۶
- منابع لاتین..... ۲۶۷

پیشگفتار

با تقدیم حمد و سپاس بیکران به پیشگاه خدای متعال و با نثار درود و صلوات بی‌پایان بر آخرین و بزرگترین پیامبرش حضرت محمد ﷺ و خاندان پاک و معصوم آن حضرت، صلوات الله علیهم اجمعین، به‌ویژه با تقدیم بهترین و کامل‌ترین تحیات به حضرت ولی‌الله الاعظم، حضرت امام عصر، عجل الله تعالی فی فرجه و ظهوره الشریف، محتوای این کتاب به شرح زیر تقدیم می‌شود:

بیان مسئله

قانون طبیعی^۱ از دو واژه قانون و طبیعت گرفته شده است. ابهام مفهوم «طبیعت» در ترکیب «قانون طبیعی» سبب شکل‌گیری تفسیرهایی متفاوت از محتوای قانون طبیعی شده است. انواع پرشمار نظریه‌های قانون طبیعی بر این واقعیت دلالت می‌کند که طبیعت، در نگاه دانشمندان شرکت‌کننده در گفتمان قانون طبیعی، امر یگانه‌ای نیست که جملگی بر آن اتفاق نظر داشته باشند؛ با این همه، چند ویژگی قانون طبیعی، در نگاه نظریه‌پردازان، مسلم دانسته شده است: ۱. در مقابل قانون وضعی^۲ قرار دارد؛ یعنی محصول طبیعت است، نه اینکه حاصل قرارداد و خواست واضح قانون باشد؛ ۲. نشان‌دهنده نوعی سبک زندگی است که انسان‌ها با رعایتش به بهترین شیوه زندگی در همه جنبه‌های شخصی (فردی و اجتماعی) و جمعی دست می‌یابند؛

1. Natural law.

2. Positive law.

یعنی با رعایت آن می‌توانند در ابعاد گوناگون اخلاقی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی و غیر آنها بهترین شوند؛^۳ چون قانون وضعی مصوب نیست، ضمانت اجرای دولتی ندارد، بلکه ضمانت اجرای آن فقط التزام آدمیان به وجدان و پابندی‌شان به اصول اخلاقی انسانی است؛^۴ مجموعه‌ای از قواعد عقل عملی است که مقید به زمین و زمان خاص نیست، بلکه فرازمان و فرامکان است.^۵ مجموعه‌ای از قوانین تغییرناپذیر و همواره ثابت است؛^۶ طرح نظری و عملی جامع و ثابتی است که انسان‌ها در فطرت خویش آن را می‌ستایند و می‌کوشند در مسیر سعادت‌مند شدن از آن پیروی کنند.

در طول تاریخ پرفرازونشیب مباحث علمی درباره قانون طبیعی، ادعا این بوده است که این قانون بنیاد حل مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی و جمعی زندگی بشر است؛ به‌دیگرسخن، شاه‌کلید تسهیل‌کننده زندگی انسان در همه جنبه‌هاست. براین اساس، مسئله پژوهش درباره قانون طبیعی تعیین محتوای این قانون است. نظریه‌های گوناگون قانون طبیعی در طول تاریخ در شاکله رویکردهای متنوع به‌عنوان گزاره‌های قانون طبیعی، تعدادی قوانین عقلی را بیان کرده‌اند. این قوانین عقلی ادعایی را باید ارزیابی کرد و ضعف هریک را نشان داد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

ازیک سو، تأثیر مثبت و مستقیم آموزه قانون طبیعی در رستگاری انسان‌ها و ازسوی دیگر، فراگیر بودن این آموزه، تا آنجا که همه افراد بشر را در همه احوال و زمان‌ها و زمین‌ها در بر می‌گیرد، بر اهمیت شناخت این منظومه فکری-کاربردی و بلکه بر ضرورت آن دلالت می‌کند. مباحث مربوط به قانون طبیعی دربردارنده نظریه‌های متنوعی است که در حوزه‌های علوم و فلسفه کاربردی نقش محوری ایفا کرده‌اند. قانون طبیعی همواره مستندی برای راهکارهای مهم اخلاقی، حقوقی، سیاسی و اجتماعی بوده است. همچنین، به‌هیچ‌وجه نمی‌توان نقش قانون طبیعی را در شاخه‌های علوم توصیفی اجتماعی، از قبیل جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی (از منظر اجتماعی)^۱ و مطالعات نقدهای تاریخی، از نظر دور داشت (Novak, 1998: 123).

فایده شناخت قانون طبیعی آگاهی یافتن از نوعی سبک زندگی است که انسان‌ها را به بهترین شیوه زندگی در همه جنبه‌های فردی، اجتماعی و جمعی رهنمون می‌شود. با رعایت

1. Anthropology.

اصول قانون طبیعی، بشر می‌تواند در ابعاد گوناگون اخلاقی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی و غیر آنها بهترین باشد. بنابراین، قانون طبیعی طرح نظری و عملی جامع و ثابتی است که انسان‌ها در فطرت خویش آن را می‌ستایند و می‌کوشند در مسیر سعادت‌مند شدن از آن پیروی کنند.

یکی از فواید مهم شناخت قانون طبیعی در حوزه قانون‌گذاری نمایان می‌شود. قانون‌گذاران می‌توانند، به کمک آموزه قانون طبیعی، حقوق طبیعی بشر را شناسایی کنند. درحقیقت، قانون طبیعی حقوق طبیعی را نشان می‌دهد و قانون‌گذاران با شناخت این حقوق می‌توانند بهترین قوانین را در کشورها در عرصه‌های مختلف زندگی بشر، مثل خانواده، اقتصاد، سیاست، تربیت و...، وضع کنند و با وضع آنها به مردم در استیفای این حقوق کمک کنند. مردم با استیفای حقوق طبیعی خود به بالاترین سطح سعادت در ساحت‌های گوناگون زندگی می‌رسند. به این دلیل آگاهی از قانون طبیعی نقشی مستقیم در توسعه و سعادت‌مندی بشر دارد.

اما آیا همه نظریه‌های قانون طبیعی را می‌توان خوانش صحیحی از این قانون تلقی کرد؟ پاسخ این پرسش از رهگذر ارزیابی منطقی و مستدل این نظریه‌ها به دست می‌آید.

پیشینه پژوهش

مباحث مربوط به آموزه قانون طبیعی در مغرب‌زمین سابقه‌ای ۲۶۰۰ ساله دارد. آغاز آن همراه با شروع مباحث عقلی در سده ششم پیش از میلاد در یونان باستان بود و طی ۲۵ قرن ادامه یافت. این مقطع از مطالعات مربوط به قانون طبیعی، در قرن نوزدهم، با سلطه اندیشه اثبات‌گرایی (پوزیتیویسم) در همه حوزه‌های علوم بشری در مغرب‌زمین، پایان پذیرفت. با احیای اندیشه قانون طبیعی در قرن بیستم، نظریه‌های گوناگون قانون طبیعی در دوره پساتجدد دوباره مطرح شد. قانون طبیعی در برخی از دوره‌های تمدن غرب، رویکردی مذهبی و در برخی دوره‌ها رویکردی غیردینی (سکولار) داشته است؛ باین‌همه، همواره مستندی برای راهکارهای مهم اخلاقی، حقوقی، سیاسی و اجتماعی بوده است.

بسیاری از نویسندگان پارسی‌زبان، که در آثار خود در مقام گزارش‌نویسی از ماجرای مکتب «حقوق طبیعی» (natural rights) برآمده‌اند، آن را با «قانون طبیعی» خلط کرده‌اند و عبارت «natural law» را به اشتباه «حقوق طبیعی» معنا کرده‌اند. آنها، در پی این اشتباه، مکتب «حقوق طبیعی» را پرسابقه معرفی کرده و آن را حتی به افلاطون و ارسطو نیز نسبت داده‌اند،

درحالی‌که عمر مباحث مربوط به حقوق طبیعی از سه قرن و نیم (از اواسط قرن هفدهم تاکنون) فراتر نمی‌رود. علت اصلی این اشتباه استفاده از واژه «حقوق» به جای «قانون» در ترجمه کلمه «law» است.

این اشتباه در مکتوبات این حوزه به زبان فارسی تبدیل به امری رایج شده است، به طوری که علم قانون‌گذاری و شاخه‌های آن، که ترجمه واژه law و مشتقات آن است، به «علم حقوق» ترجمه می‌شود، غافل از آنکه حقوق در زبان فارسی، برگردان واژه انگلیسی rights است. واژه انگلیسی law به معنای قانون است، نه حقوق. نتیجه این اشتباه پرتکرار سردرگمی در معنای عبارت «فلسفه حقوق» در زبان فارسی است که آیا مقصود از آن philosophy of law است یا philosophy of rights، در حالی که این دو حوزه از دانش مستقل از یکدیگرند.

این خطا چنان شیوع یافته است که برخی نویسندگان، به منظور جلوگیری از اشتباه در برداشت از «فلسفه حقوق»، «حقوق طبیعی» و «قانون طبیعی» در زبان فارسی، واژه rights را به جای «حقوق» به «حق» ترجمه کرده‌اند (نک: کلی، ۱۳۸۲، ص ۱۹، پانوش ۲). همین‌طور عبارت‌های philosophy of rights و natural rights را، به جای فلسفه حقوق و حقوق طبیعی، به ترتیب فلسفه حق و حق طبیعی ترجمه کرده‌اند. در این شیوه، هرچند دو مفهوم law و rights با هم خلط نمی‌شوند، واژه rights که در زبان اصلی به صورت جمع آمده، در زبان فارسی به صورت مفرد ترجمه شده است.

چون محتوای natural law قانون عقلی حاکم بر رفتار بشر است، به عقیده نگارنده، ترجمه این واژه انگلیسی به «حقوق طبیعی» امری کاملاً نادرست است. قانون عقلی را نمی‌توان به حقوق عقلی ترجمه کرد، همچنان‌که قوانین فیزیک و ریاضی را نمی‌توان به معنای حقوق فیزیک و ریاضی دانست.

مهم‌ترین مخالفان آموزه قانون طبیعی در غرب پوزیتیویست‌ها، یا به عبارتی، اثبات‌گرایان هستند. نامدارترین آنها در دو سده گذشته جرمی بنتام^۱ (۱۷۴۸-۱۸۳۲) و پیروان او، مثل جان آوستین^۲ (۱۷۹۰-۱۸۵۹)، هانس کلسن^۳ (۱۸۸۱-۱۹۷۳)، هربرت هارت^۴ (۱۹۰۷-۱۹۹۲) و

1. Jeremy Bentham.

2. John Austin.

3. Hans Kelsen.

4. Herbert Hart.

جوزف رز^۱ (۱۹۳۹-۲۰۲۲) بوده‌اند. آنها هریک، از نگاه پوزیتیویستی خود و براساس انگاره جدایی اخلاق و حقوق، قانون طبیعی را نقد کرده‌اند.

درمقابل، به این دلیل که اندیشه اسلامی با آموزه قانون طبیعی موافق است، مسلمانان هیچ‌گاه درصدد نقد و ارزیابی نظریه‌های غربی قانون طبیعی برنیامدند و آنها را به چالش نکشیده‌اند. بنابراین، تاکنون اثری علمی از مسلمانان در نقد قانون طبیعی منتشر نشده است، مگر چند مقاله درباره کاستی‌های قانون طبیعی و یک کتاب با عنوان قانون طبیعی (۱۳۹۰) که این جانب آنها را منتشر کرده‌ام.

نوآوری پژوهش

طرح نظریه‌ای جدید درباره قانون طبیعی مستلزم دو امر است: ۱. بازخوانی نظریه‌های موجود و بیان کاستی‌هایشان؛ ۲. ذکر مبانی و عناصر تشکیل‌دهنده نظریه جدید و بیان امتیازهای آن در مقایسه با دیگر نظریه‌ها. اقدام نخست در پژوهش حاضر انجام شده است. به این دلیل چنین عنوانی دارد: قانون طبیعی، کتاب اول: مطالعه انتقادی نظریه‌های قانون طبیعی در غرب. اقدام دوم در پژوهشی دیگر با عنوان قانون طبیعی، کتاب دوم: نظریه اسلامی قانون طبیعی بشر در حال تکمیل است.

هرچند دانشمندان غربی در شکل‌گیری پیشینه پژوهشی قانون طبیعی بسی کوشیده و آثار متعدد تولید کرده‌اند، هریک از نظریات مطرح‌شده در آن آثار دچار کاستی‌های گوناگون است. پوزیتیویست‌ها، که مخالفان اصلی آموزه قانون طبیعی محسوب می‌شوند، مقالات و کتاب‌های بسیاری در رد این آموزه نوشته‌اند. مهم‌ترین دلیل مخالفت پوزیتیویست‌ها با قانون طبیعی این است که آنها آموزه‌های اخلاقی را در دانش حقوق بی‌تأثیر می‌دانند. درحقیقت، جدایی انداختن میان اخلاق و حقوق شعار اصلی مخالفان قانون طبیعی است.

مسلمانان، همانند نظریه‌پردازان غیرمسلمان قانون طبیعی، همگی طرف‌دار آموزه قانون طبیعی‌اند؛ زیرا قواعد اخلاقی را در وضع قانون مؤثر می‌دانند. ازاین‌رو، و به این دلیل که ممکن است دیگران آنها را در دسته مخالفان قانون طبیعی جای دهند، هیچ‌یک از آنها نظریه‌های مربوط به این آموزه را نقد نکرده‌اند، درحالی‌که نظریه‌های گوناگون قانون طبیعی هریک

1. Joseph Raz.

اشکالاتی دارد. بنابراین، با تأکید بر لزوم حفظ آرمان‌های اخلاقی در وضع قوانین، شایسته و بلکه بایسته است پژوهشی موشکافانه در چارچوب مطالعه انتقادی، برای بررسی نظریه‌های غربی قانون طبیعی و بیان کاستی‌ها و ابهامات و نادرستی‌های هریک انجام گیرد.

هدف پژوهش

هدف از نوشته حاضر افزون بر معرفی و تحلیل آموزه قانون طبیعی در غرب، مطالعه انتقادی آن، یعنی بیان کاستی‌های آن است. در این راستا، پس از بررسی و تبیین مفهوم هریک از واژگان دخیل در عنوان کتاب، ریشه‌های مباحث مربوط به آموزه قانون طبیعی در مغرب‌زمین از ابتدای دوره تفکر فلسفی یونان باستان واکاوی خواهند شد و خوانش‌های متنوع این موضوع در دوره‌های مختلف اندیشه فلسفی در غرب در خلال فصل‌های این کتاب از نظر خواهند گذشت. کاستی‌های هریک از این نظریه‌ها پس از شرح آنها بیان می‌شوند.

هدف غایی این پژوهش آن است که نشان دهد همه خوانش‌های غربی قانون طبیعی کاستی‌هایی پنهان یا آشکار دارند، و به این دلیل قانون طبیعی غربی نمی‌تواند مبنای یک نظام قانون‌گذاری جامع عدالت‌محور باشد، هرچند طرف‌داران آموزه قانون طبیعی اخلاق را در نظام قانون‌گذاری بر حقوق حاکم می‌دانند و تصویب قوانین را بدون رعایت قواعد اخلاقی بی‌اعتبار می‌شمارند.

پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی که این کتاب تلاش می‌کند به آن پاسخ گوید آن است که نظریه‌های قانون طبیعی غربی از ابتدا تا انتها، چه کاستی‌هایی دارند و انتقادهای وارد بر آنها کدام‌اند. برای دریافت پاسخ به این پرسش اصلی لازم است پرسش‌های دیگری را با عنوان پرسش‌های فرعی پاسخ دهیم. در این راستا، افزون بر پرسش از معنای عنوان کتاب که در فصل اول به آن پاسخ داده می‌شود، پرسش از کاستی‌ها و انتقادهای وارد بر نظریه‌های قانون طبیعی در دوره‌های باستان، مسیحیت، جدید و پساتجدد، پرسش‌های فرعی دیگری هستند که به هریک از آنها در فصلی جداگانه پاسخ داده خواهند شد. بنابراین، پرسش‌های این پژوهش به‌ترتیب عبارت‌اند از:

پرسش اصلی: نظریه‌های غربی قانون طبیعی چه کاستی‌هایی دارند؟

پرسش‌های فرعی:

۱. مطالعه انتقادی نظریه‌های غربی قانون طبیعی به چه معناست؟
۲. نظریه‌های قانون طبیعی در دوره باستان چه کاستی‌هایی دارند؟
۳. بر نظریه‌های قانون طبیعی مسیحی چه اشکالاتی وارد است؟
۴. نواقص نظریه‌های قانون طبیعی در دوره جدید چیست؟
۵. نظریه‌های غربی قانون طبیعی در دوره پساتجدد چه کاستی‌هایی دارند؟

فرضیه‌ها و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

فرضیه‌های مدنظر به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. مطالعه انتقادی نظریه‌های قانون طبیعی در غرب به معنای نشان دادن کاستی‌ها، ضعف‌ها، ابهامات و مطالب نادرست نظریه‌های قانون طبیعی در غرب است. این فرضیه همراه با معنای واژگان دخیل در عنوان کتاب در فصل اول به بحث گذاشته می‌شود.
۲. نظریه‌های غربی قانون طبیعی در دوره باستان کاستی‌های فراوان دارند. درستی این فرضیه در فصل دوم اثبات می‌شود. در آن فصل، ابتدا نظریه‌های قانون طبیعی دوره باستان توضیح داده خواهند شد، آنگاه انتقادهای وارد بر آن بیان می‌شوند. در ادامه، نظریه‌های قانون طبیعی در دوره روم باستان شرح داده می‌شوند و در پایان، کاستی‌های هریک از آنها نشان داده خواهند شد.
۳. نظریه‌های مسیحی قانون طبیعی ضعف‌های متعدد دارند. فصل سوم به اثبات این فرضیه خواهد پرداخت. به این دلیل فصل سوم کتاب نظریه‌های مسیحی را در چهار دوره شرح می‌دهد و هریک را به صورت انتقادی مطالعه خواهد کرد. این دوره‌ها عبارت‌اند از: دوره مسیحیت اولیه، دوره میانه، عصر نوزایی و دوره پروتستان اولیه.
۴. نظریه‌های قانون طبیعی در دوره جدید فرهنگ و تمدن غربی کاستی‌های مختلف دارند. این فرضیه در فصل چهارم اثبات می‌شود. این فصل با دسته‌بندی کردن فیلسوفان دوره جدید به دو گروه تجربه‌گرایان و عقل‌گرایان، آرای هریک را بازخوانی و اشکالاتشان را بیان می‌کند.

۵. هیچ‌یک از نظریه‌های غربی قانون طبیعی در دوره پساتجدد بی‌اشکال نیستند. فصل پنجم این اشکالات را نشان می‌دهد. در این فصل، سه مرحله احیای میراث غربی قانون طبیعی در قرن بیستم (و بیست‌ویکم) شرح داده خواهند شد؛ سپس کاستی‌های همه نظریه‌های قانون طبیعی در دوره پساتجدد نشان داده می‌شوند. ناگفته پیداست که روش به‌کاررفته در این کتاب برای پژوهش محتوای آن، روش نقلی-عقلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای با استفاده از شیوه فیش‌برداری است. نویسنده پس از نقل آرای دانشمندان غرب، با استدلال‌های عقلی، آنها را نقد کرده است.

پیش‌فرض‌های پژوهش

پیش‌فرض‌های یک پژوهش اصولی زیربنایی هستند که آن پژوهش بر آنها مبتنی است؛ اما پژوهشگر در انجام آن پژوهش درستی آن اصول را مفروض گرفته و در آن پژوهش برای درستی آنها دلیل نمی‌آورد. درستی این مبانی که با نام اصول موضوعه نیز شناخته می‌شوند، پیش‌تر در دانش‌های دیگر اثبات شده است. برای نمونه، برخی از پیش‌فرض‌های پژوهش حاضر آن است که:

۱. انسان به‌طور طبیعی آزاد است، یعنی مختار است هرکاری را که برای پیشرفت خود صلاح می‌داند، انجام دهد.
۲. هراسان برای رسیدن به بیشترین خیر در جست‌وجوی بهترین سبک زندگی است.
۳. قوانین طبیعی بنیاد فهم و اثبات حقوق طبیعی بشر هستند.

جامعه مخاطب

این کتاب به‌عنوان منبعی برای پژوهش و تدریس در رشته فلسفه حق، حقوق بشر، فلسفه حقوق، فلسفه حقوق بشر، حکمت عملی، حقوق، علوم سیاسی و علوم اجتماعی نوشته شده است. امید است خوانندگان محترم نویسنده را از پیشنهادهای علمی خود برای رفع نواقص آن بهره‌مند فرمایند.

در پایان، از اساتید محترم، جناب آقای دکتر رضا داوری اردکانی (زید عمره) و جناب آقای دکتر غلامرضا اعوانی (زید عمره)، صمیمانه و متواضعانه تشکر می‌کنم که این حقیر را مفتخر

پیشگفتار ۹

به ارزیابی این کتاب فرموده و از راهنمایی‌های خود بهره‌مند ساختند. از خدای متعال طول عمر، سلامت و سعادت ابدی برای آنها خواستارم. همچنین، از دوست گرامی و فاضل مکرم، جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی عبداللّهی سپاسگزارم که رنج بازخوانی این کتاب را پذیرفتند و برخی اشکالات را گوشزد کردند. از خداوند بزرگ برای ایشان توفیقات بیشتر آرزو می‌کنم.

قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

محمدحسین طالبی، اردیبهشت ۱۴۰۴

فصل اول

واژه‌شناسی

«مطالعه انتقادی نظریه‌های قانون طبیعی در غرب»

۱. واژه‌شناسی «مطالعه انتقادی نظریه‌ها»

۲. واژه‌شناسی «قانون طبیعی در غرب»

مقدمه

یکی از عواملی که همواره در گفتمان‌ها سبب طرح بحث‌های طولانی ملال‌آور، بی‌فایده یا کم‌فایده می‌شود، عدم شفافیت کلمات موجود در عنوان مورد بحث است. برخی از انواع مغالطات از راه این ابهام رخ می‌دهد. به این دلیل برای جلوگیری از هرگونه گنگی مباحث این کتاب لازم است در ابتدا، واژگان مفرد در عنوان کتاب توضیح داده شوند. عنوان این کتاب مطالعه انتقادی نظریه‌های قانون طبیعی در غرب است. فصل نخست این کتاب پاسخ به اولین پرسش فرعی در این پژوهش است که: مطالعه انتقادی نظریه‌های قانون طبیعی در غرب به چه معناست؟ برای روشن شدن پاسخ این پرسش، این فصل در دو مبحث به شرح زیر گسترانده شده است. نخست در مبحث اول درباره «مطالعة انتقادی نظریه‌ها» توضیح داده می‌شود؛ آنگاه در مبحث دوم، مفهوم عبارت «قانون طبیعی در غرب» تا آنجا که لازم است، تبیین خواهد شد.

یکی از عواملی که گاه سبب طرح بحث‌های طولانی و ملال‌آور و بی‌فایده یا کم‌فایده می‌شود، ابهام واژگان موجود در عنوان بحث است. برخی از انواع مغالطه نیز از این راه رخ می‌دهد. برای جلوگیری از هرگونه ابهام، پیش از ورود به مباحث اصلی، واژگان مفرد در عنوان کتاب توضیح داده می‌شود.

مبحث اول

واژه‌شناسی «مطالعه انتقادی نظریه‌ها»

پرسشی که این مبحث تلاش می‌کند به آن پاسخ گوید، عبارت است از اینکه: مقصود از مطالعه انتقادی نظریه‌ها چیست؟ برای دستیابی به پاسخ این سؤال دو پرسش دیگر مطرح می‌شود. اول آنکه معنای مطالعه انتقادی چیست. سؤال دیگر آن است که نظریه یعنی چه؟ به این دلیل در این مبحث به این دو پرسش در دو گفتار جداگانه پاسخ داده می‌شود. گفتار اول عبارت «مطالعه انتقادی» را توضیح می‌دهد و تفاوت آن را با واژگانی مثل «نقد و بررسی»، «نظریه انتقادی» و «مکتب انتقادی» بیان می‌کند. گفتار دوم مفهوم «نظریه» را توضیح می‌دهد، انواع آن را بیان می‌کند و تفاوت آن را با «دکترین» روشن می‌سازد.

گفتار اول: مطالعه انتقادی

تعبیر «مطالعه انتقادی»^۱ که در عنوان این کتاب به کار رفته، با ترکیباتی همچون «نقد و بررسی»،^۲ «نظریه انتقادی»^۳ و «مکتب انتقادی»^۴ تفاوت دارد. در گفتمان‌های علمی گاه به ظرافت‌های معنایی این تعابیر توجه نشده و برخی از آنها بارها اشتباهاً به جای دیگری به کار رفته است. در این گفتار به مفاهیم این اصطلاحات، تفاوت معنایی آنها و نسبت آنها با یکدیگر اشاره می‌شود.

-
1. Critical study.
 2. Critique and analysis.
 3. Critical theory.
 4. Critical school.

مطالعه انتقادی روشی در پژوهش است که با استفاده از شیوه تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها انجام می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۷۷، ص ۱۹۸-۱۹۹). پژوهشگر در این روش ابتدا مفهوم متن مدنظر را با دقت کافی دریافت می‌کند، سپس آن را با دیگر بخش‌های آن متن، با دیگر آثار نویسنده یا با مبانی مورد قبول او یا خود مقایسه می‌کند و ناهمخوانی‌ها را، به‌عنوان نکات انتقادی، برجسته و بیان می‌کند.

به تعبیر دیگر، وظیفه شخص منتقد در مطالعه انتقادی متن نشان دادن امور زیر است:

۱. ناهمخوانی میان بخش‌های گوناگون متن؛
 ۲. ناهمخوانی متن با دیگر آثار نویسنده آن؛
 ۳. دوگانگی میان متن و مبانی مقبول نویسنده آن؛
 ۴. کاستی‌های متن به لحاظ محتوا که با مبانی پذیرفته پژوهشگر ناهمخوان است. در این قسمت، پژوهشگر مبانی مخفی نویسنده را آشکار و آنها را ابطال می‌کند.
- حاصل آنکه پژوهشگر، در مطالعه انتقادی، متن را به چالش می‌کشد (ویدوسن، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲) و ناهمخوانی‌ها و ضعف‌های مبانی و بنایی آن را آشکار می‌سازد.
- «نقد» اثر علمی نیز، که معمولاً با عبارت «نقد و بررسی» یا حتی به جای آن با واژه «بررسی» نشان داده می‌شود، یکی دیگر از انواع روش‌های تحقیق است. این شیوه پژوهش با روش مطالعه انتقادی تفاوت دارد. تفاوت «نقد» و «مطالعه انتقادی» این است که به‌هنگام نقد متن، افزون بر بیان کاستی‌ها، عوامل قوت و استحکام آن یا مبانی صحیح و مقبول آن از نظر پژوهشگر نیز توضیح داده می‌شوند. درحقیقت، نقد نوعی ارزیابی جنبه‌های مثبت و منفی متن است (زرین‌کوب، ۱۳۷۳، ص ۵-۶، ص ۹ و ص ۱۰)؛ اما در مطالعه انتقادی به نقاط قوت متن توجه نمی‌شود. بنابراین، تفاوت مطالعه انتقادی با نقد و بررسی این است که شخص ناقد، افزون بر بیان کاستی‌های متن مدنظر، به جنبه‌های استحکام آن نیز توجه می‌کند، اما شخص منتقد به توضیح یا تأیید آن جنبه‌ها نمی‌پردازد و فقط کاستی‌ها و ناهمخوانی‌هایش را نشان می‌دهد.

اما «نظریه انتقادی» و «مکتب انتقادی»، که نظریه و مکتبی جامعه‌شناختی است، خوانشی انتقادی از وضع موجود در جامعه محسوب می‌شود. نظریه انتقادی همواره مراحل زیر را طی می‌کند:

۱. دریافت اوضاع اجتماعی مردم از متن جامعه و بررسی آن به صورت تجربه‌ای زنده و واقعی.^۱

1. Factual.

۲. تمرکز بر عوامل اجتماعی مخفی ماندن برخی ساختارهای اجتماعی که عموماً به مرکز قدرت وابسته‌اند و آشکار کردن آن عوامل.

۳. به چالش کشیدن وضع موجود و اعتراض دائمی به آن؛

۴. ارائه راه‌حل(های) برون‌رفت از چالش‌های موجود.

براین اساس، «نظریه انتقادی» برخلاف «مطالعه انتقادی» و برخلاف «نقد و بررسی»، نوعی روش تحقیق نیست، بلکه نوعی نگاه و تفسیر اعتراض آمیز به وضع موجود در جامعه است. به تعبیر دیگر، هدف اصلی نظریه انتقادی نشان دادن روابط قدرت در چارچوب پدیده‌های فرهنگی است (ازکیا، ۱۳۹۶، ص ۶۲۹-۶۳۵). هرگاه دو یا چند نظریه انتقادی از اصول و مبانی و عناصر مشترک برای برون‌رفت از چالش‌های اجتماعی پیروی کنند، مجموعه آن اصول و مبانی و عناصر مشترک را «مکتب انتقادی» می‌خوانند. مجموعه آن نظریه‌های انتقادی را نیز «دکترین انتقادی»^۱ می‌گویند.

نظریه انتقادی اولین بار در قرن بیستم با مکتب فرانکفورت رشد کرد. ماکس هورکهایمر^۲ (۱۸۹۵-۱۹۷۳) و تئودور آدورنو^۳ (۱۹۰۳-۱۹۶۹)، دو فیلسوف و جامعه‌شناس نومارکسیست^۴ آلمانی، در سال ۱۹۳۰ مکتب فرانکفورت و نظریه انتقادی-دیالکتیکی^۵ را با فعالیت‌های خود در مؤسسه تحقیقات اجتماعی شهر فرانکفورت آلمان بنیان گذاشتند. این نظریه فلسفه اجتماعی انتقادی^۶ نیز نام گرفته است. نظریه‌پردازان مکتب فرانکفورت پیرو سنت فلسفی هگل و در برخی گرایش‌های فرعی، پیرو کانت بودند. با این همه، وجه مشترک همه گرایش‌های موجود در این مکتب ناسازگاری با اوضاع حاکم و افشا کردن انواع روابط موجود (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و...) در جامعه بود. این امر نظریه‌پردازان این مکتب را وامی داشت که در شاخه‌های گوناگون و هریک، در حوزه‌های علمی و فلسفی موضوع تخصص خویش، وضعیت موجود را زیر ذره‌بین انتقادی خود قرار دهند. مارکسیسم گرایش عمومی

1. Critical doctrine.

2. Max Horkheimer.

3. Theodor Adorno.

4. Neo-Marxist.

5. Dialectic-critical theory.

6. Critical social theory.

طرف‌داران مکتب فرانکفورت بود. مکتب انتقادی دربرگیرنده انتقاد از جامعه و نیز نظام‌های گوناگون معرفتی است و هدف نهایی آن افشای دقیق‌تر ماهیت جامعه است (ابراهیمی مینق و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۶۶). امروزه یورگن هابرماس^۱ (۱۹۲۹) مشهورترین نظریه‌پرداز مکتب انتقادی شناخته می‌شود (همان، ص ۷۱).

بنابر آنچه گذشت، «مطالعه انتقادی» غیر از «نقد و بررسی» است و این دو با «نظریه انتقادی» نیز تفاوت دارند.

گفتار دوم: نظریه و انواع آن

نظریه عبارت است از گزاره‌ای (یا گزاره‌هایی) که مدعای (یا ادعاهای) منسجم مبتنی بر یک یا چند مبنای مشخص را دربردارد. این مبانی از منطقی متناسب ریشه می‌گیرد، با یک یا چند دلیل موجه حمایت می‌شود و پذیرش آن یک قلمرو «علمی-معرفتی» یا «عملی-معیشتی» را دگرگون می‌کند. هر نظریه کامل و کارآمد باید از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد:

۱. شفافیت مفهوم‌شناختی؛
۲. مسئله اصلی مشخص؛
۳. ارکان و اجزای منسجم؛
۴. برخورداری از ملزومات روش‌شناسانه؛
۵. پیش‌انگاره‌ها و مبانی روشن و متقن؛
۶. دلایل و شواهد محکم و مقاوم؛
۷. قدرت نقد و ابطال نظریه‌های رقیب و معارض؛
۸. تعمیم‌پذیری کافی؛
۹. نتایج نظری و کاربردی شایسته.

نظریه‌ها را می‌توان از جنبه‌های زیر طبقه‌بندی کرد:

گونه‌شناسی معرفتی (روش‌شناسی تولید): نظریه‌ها از این حیث به چهار دسته تقسیم می‌شوند: ۱. عرفانی (شهودی)؛ ۲. فلسفی (عقلی)؛ ۳. علمی (تجربی)؛ ۴. نقلی. برای نمونه، نظریه‌های مربوط به دانش عرفان همگی با روش شهودی پدید می‌آیند و با علم حضوری

1. Jurgen Habermas.

سروکار دارند، اما نظریه‌های مربوط به دانش‌های عقلی، مثل دانش فلسفه (مطلق یا مضاف) و ریاضیات، نظریه‌هایی با روش عقلی‌اند. نظریه علمی که با روش تجربی اثبات می‌شود، در علوم تجربی به کار می‌رود. نظریه‌های نقلی نیز مربوط به علوم نقلی، مثل تاریخ، ادبیات و علوم قرآن و حدیث‌اند و در آنها از روش نقلی برای اثبات محتوا استفاده می‌شود.

گستره کارکرد و تأثیر: نظریه‌ها از این جنبه بر سه دسته‌اند: ۱. نظریه گسترده (آبرنظریه)، یعنی نظریه‌ای کلان که دربردارنده چندین نظریه «نیم‌گسترده» و «خرده‌نظریه» است و از کاربردی وسیع در رشته‌های نظری یا رشته‌های عملی گوناگون (فرارشته‌ای یا بینارشته‌ای) برخوردار است. برای نمونه، نظریه‌های قانون طبیعی همگی ابرنظریه‌اند؛ زیرا افزون بر آنکه هریک چند نظریه را در خود جای داده‌اند، در دانش‌های مختلف اخلاق، حقوق، سیاست، علوم اجتماعی، فقه و غیر آن عمیقاً تأثیرگذارند. همچنین، نظریه ولایت مطلقه فقیه یک ابرنظریه است. ۲. نظریه نیم‌گسترده که چند «خرده‌نظریه» را دربردارد و کاربردش در رشته نظری یا رشته کاربردی معینی چشمگیر است. برای نمونه، نظریه تجرد نفس یک نظریه نیم‌گسترده است؛ زیرا چندین خرده‌نظریه را دربردارد، از جمله نظریه تجمع قوای مختلف نفس در ذات مجرد آن به صورت تجلی واحد در کثیر^۱ و نیز نظریه علم حضوری انسان به نفس خویش. ۳. نظریه غیرگسترده یا خرده‌نظریه که کاربردی محدود در زمینه‌های نظری یا عملی محدود دارد. خرده‌نظریه، درواقع، نظریه‌ای کوچک است، مثل قانون اول نیوتن.^۲

گستره نفوذ جغرافیای نخبگانی: نظریه‌ها از این حیث و برحسب میزان ارجاع به آن در آثار دیگران، دست‌کم در دو سطح طبقه‌بندی می‌شوند: ۱. نظریه ملی، یعنی نظریه‌ای که در میان اصحاب معرفت و متخصصان یک کشور شناخته شده است؛ ۲. نظریه فراملی یا جهانی که در میان دانشمندان کشورهای مختلف شناخته شده است.

با توجه به آنچه گفته شد، نظریه‌های قانون طبیعی بیشتر فلسفی (عقلی)‌اند و همه آنها آبرنظریه محسوب می‌شوند. به مجموع نظریه‌های موجود در یک گفتمان علمی دکتترین^۳ گفته می‌شود. بنابراین، یک دکتترین مجموعه آرا و عقاید دانشمندان در موضوع علمی خاص است.

۱. النفس فی وحدتها کل القوی.

۲. جسمی که تحت تأثیر نیرویی نباشد، یا ساکن است یا همیشه با سرعتی ثابت در حال حرکت است.

3. Doctrine.